

# مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق

(جستاری در نظریه‌های جامعه‌شناسی حقوق و بنیادهای حقوق ایران)

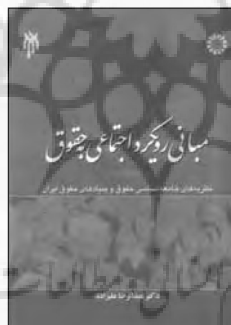
مؤلف: دکتر عبدالرضا علیزاده (استادیار دانشگاه تهران)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چاپ: قم، ۱۳۸۷

قیمت: ۴۰۵۰ تومان

عسگر ابراهیمی کندی



نیز نوآوری و ابتکاراتی را ایجاد کند که این نوآوری‌ها و پیشرفت‌ها، سرنوشت جامعه و افراد آن را رقم می‌زند و به یکی از مسائل بنیادی تفکر بشر می‌پردازد.

رابطه‌ی پیچیده‌ی حقوق و جامعه، موضوع مهم و خطیری برای مطالعات اجتماعی حقوقی است. هنگامی که از جامعه سخن می‌گوییم، همه‌ی اجزا و عناصر جامعه‌ای را که حقوق در آن جای گرفته، اراده می‌کنیم و اغلب، حقوق از متن و بافت اجتماعی اطراف خود، دور و عقب می‌افتد و با آن تناسب کامل ندارد. به این عقب‌افتادگی و دورافتادگی حقوق از جامعه، معمولاً توجه نمی‌شود و از آن سخنی به میان نمی‌آید.

مؤلف در بخش نخست، مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق را بررسی می‌کند و برای ریشه‌یابی آن، نخست علم جامعه‌شناسی را معرفی می‌کند، سپس از جنبه‌های مختلف آن را تعریف می‌کند. همچنین به

اثر حاضر شامل پیشگفتار و دو بخش است. بخش نخست شامل چهار فصل و بخش دوم شامل سه فصل می‌باشد.

کتاب که یکی دیگر از کارهای مشترک علمی فرهنگی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است، با توجه به نیاز مراکز علمی و جامعه‌ی امروز به این‌گونه منابع و متون اسلامی تدوین شده است.

مضمون اصلی این اثر بررسی و مطالعه‌ی رابطه‌ی پیچیده‌ی موجود میان حقوق و جامعه است؛ یعنی جامعه‌ای است که نظم یا نظام حقوقی را دربر گرفته است.

بشر امروز، با توجه به دگرگونی‌های اجتماعی و توانایی‌های گوناگون و ابزارهای مادی و معنوی به زندگی نوینی وارد شده، در کنار این پیشرفت‌های مادی و معنوی توانسته است، در حوزه‌ی حقوق و اقتصاد

نظریه‌های جامعه‌شناسی می‌پردازد که از زوایای مختلف، جامعه‌شناسی را تعریف کرده و ابزارها و علل و سودمندی کاربرد جامعه‌شناسی را بررسی می‌کند. وی در ادامه، موضوع حقوق و نظام حقوق را تعریف کرده، سپس رابطه‌ی جامعه‌شناسی و حقوق را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و از رابطه‌ی آن‌ها جامعه‌شناسی حقوق را ایجاد می‌کند که به منزله‌ی یک پدیده‌ی اجتماعی باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. وی همچنین بر آن است تا رابطه‌ی میان حقوق و جامعه، سازمان اجتماعی نهاد حقوق، کنش‌های متقابل اجتماعی و همه‌ی کسانی که با نهاد حقوق و نمایندگان آن تماس دارند و معنایی را که مردم به واقعیت حقوق موجود در میان خودشان می‌دهند، تبیین سازد. در پایان جریان تحول جامعه‌شناسی حقوق را بررسی می‌کند که از مرحله‌ی تدوین و شکل‌گیری و پیشرفت و توسعه تشکیل می‌شود. جامعه‌شناسی حقوق در ایران آخرین مبحث این فصل است که به میزان تلاش‌ها و نتایجی که تاکنون به آن رسیده‌اند، اشاره شده است.

نظریه‌های ماندگار در حقوق‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی عنوان فصل دوم است که شامل سه محور اساسی است؛ محور نخست که نظرات و دیدگاه‌های دانشمندان درباره‌ی این موضوع را شامل می‌شود، رابطه‌ی بنیادی حقوق و جامعه را تشریح می‌کند. نویسنده در محور دوم به دیدگاه‌های سه اندیشمند و جامعه‌شناس برجسته و پیروان آنان پرداخته و مباحثی را در این زمینه بیان و تأکید می‌کند، حتی اصلی‌ترین تفکرات اجتماعی حقوقی هنوز تحت تأثیر شدید آموزه‌های این سه شخصیت است. در محور سوم به جنبش جامعه‌شناسانه‌ی اشاره شده که در درون علم حقوق رخ داده است و با تلاش‌های فراوان حقوق‌دانان جامعه‌شناسی برای متناسب‌کردن حقوق با مناسبات اجتماعی و منصفانه و عادلانه‌شدن آن صورت گرفته است.

هدف فصل دوم ارائه‌ی دیدگاه‌های مربوط به حقوق و جامعه است، دیدگاه‌هایی بنیادی که در جامعه‌شناسی و حقوق ماندگار شده است. صاحبان این دیدگاه بر تحول تاریخ و جامعه و دگرگونی ایدئولوژی، نهادها و ارزش‌های اجتماعی تأکید ورزیدند؛ و برخی از اصلاحات اجتماعی را توصیه کردند. اینان به عدالتی منصفانه‌تر، بیشتر خصوصی‌شدن مالکیت، حرکت به سوی تساوی حقوقی و برخورد مؤثرتر با رفتارهای غیراخلاقی باور دارند. در قسمت دوم این فصل

در قسمت سوم این فصل دیدگاه‌های دانشمندان دیگری مانند ماکس وبر و پیروانش بررسی شده که نشان می‌دهد تقسیم‌بندی‌های مهمی می‌توان در عرصه‌ی جامعه‌شناسی حقوق انجام داد که از جمله سه گونه‌ی اقتدار و سلطه، انواع حقوق و نظام‌های حقوقی، انواع چهارگانه‌ی تفکر حقوقی و مفاهیمی چون «عقلانیت»، «مشروعیت» و «بی‌طرفی ارزشی» می‌باشند؛ و مضمون اصلی آن بررسی سیر عقلانی‌ترشدن نظام‌های حقوقی است.

مؤلف در ادامه‌ی بررسی نظریه‌های ماندگار، به دیدگاه‌های امیل دورکیم و پیروانش اشاره کرده و پس از بیان مفاهیم اساسی، دیدگاه وی را درباره‌ی رابطه‌ی تقسیم کار، حقوق، تناظر و انطباق که او میان انواع همبستگی اجتماعی و انواع نظام‌های حقوقی برقرار می‌کرد، بررسی نموده و به اندیشه‌های وی درباره‌ی نقش و جایگاه قرارداد در جامعه پرداخته است.

در پایان این فصل جنبش جامعه‌شناختی در حقوق بررسی شده است. به اعتقاد مؤلف این جنبش به‌طور عمده در حقوق آمریکا به وجود آمد، اما خاستگاه‌ها و مضامین آن چیزی نیست که به آن سرزمین اختصاص یابد. ارمغان جنبش جامعه‌شناختی در حقوق، اندیشه‌های مشترک واقع‌گرایانه‌ی حقوقی است که مطالعه‌ی عینی حقوق را برای دستیابی به اهداف واقعی حقوق در جامعه‌ای که دگرگون‌پذیر است، توصیه کرده‌اند.

فصل سوم به بررسی نظریه‌های نوین در جامعه‌شناسی حقوق اختصاص دارد. مؤلف در قسمت اول ضمن بررسی کارکردگرایی و دیدگاه‌های اندیشمندان درباره‌ی این رویکرد، اشاره می‌کند که کارکردگرایان معتقدند هدف نظام اجتماعی، محافظت از نظم و حفظ توازن و تعادل است و نظام اجتماعی، این هدف را با تأمین نیازها و تنظیم رفتارهای فردی برآورده می‌سازد. نظام اجتماعی باید از افرادی که در رفتار همیارانه مشارکت دارند و از هنجارها و ارزش‌های عمومی

جامعه پیروی می‌کنند، حمایت کرده و امنیت آنان را تضمین کند. یکی دیگر از نظریه‌پردازان نظام‌های اجتماعی آدلر پودجورکی است. وی بر این باور است که جامعه‌شناسی حقوق باید به مطالعه‌ی حقوقی که در جامعه در حال اجراست، بپردازد. هدف اصلی مطالعه، مهندسی اجتماعی است، روش تحقیق آن تجربی است و موضوع این تحقیق تجربی، واقعیت اجتماعی است. به باور وی، جامعه‌شناسی حقوق باید به مهندسی اجتماعی عقلانی و کارآمد دست بزند تا بتواند به منزله‌ی وسیله‌ی ایجاد دگرگونی اجتماعی عقلانی به کار آید.

دورکیم معتقد بود واقعیت‌های اجتماعی برای جامعه، کارآمد هستند، زیرا نیازهای عمومی جامعه را تأمین می‌کنند. پارسونز یکی دیگر از نظریه‌پردازان نظام‌های اجتماعی نیز بر این باور است که این نظام حقوقی است که کارکرد همبستگی و یکپارچگی را برمی‌آورد؛ زیرا نظام حقوقی، مبادله‌ی میان خرده‌نظام‌های گوناگون را هماهنگ و آسان می‌کند. وی در ادامه‌ی بحث، ویژگی‌هایی را نیز برای نظام حقوقی برمی‌شمارد.

در ادامه‌ی این فصل به نظریه‌ی تضاد (کشمکش) و دیدگاه برخی از طرفداران این نظریه اشاره شده است. تورستن سلین یکی از نظریه‌پردازان این دیدگاه، معتقد است که جامعه، از گروه‌های فرهنگی متفاوت و جداگانه‌ای تشکیل و هرکدام از آن‌ها هنجارهای رفتاری خاص خود را دارند. از برخورد و تضاد هنجارهای رفتاری متضاد این گروه‌های فرهنگی، تضاد فرهنگی رخ می‌نماید. به عقیده‌ی وی، تضاد فرهنگی زمانی رنگ حقوقی به خود می‌گیرد که هنجارهای مورد مزاحه، هنجارهایی حقوقی باشند.

آخرین رویکرد عمده در این فصل، مطالعات حقوقی انتقادی است. موضوع اصلی مطالعات حقوقی انتقادی، نقد قانون‌پرستی لیبرال از راه ابهام‌زدایی و نامشروع اعلام کردن این دکترین بود. حتی منتقدان، به شیوه‌ی استدلال و ایدئولوژی حاکم بر مکتب حقوق لیبرال نیز حمله کردند. این منتقدان می‌گویند که آموزه‌ی حقوقی لیبرال، نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را که سرمایه‌داری به بار آورده، مشروع می‌داند. مطالعات حقوقی انتقادی با بررسی‌های روش‌شناختی موجود در نظریه‌های اجتماعی، نقد محض و نیز ابهام‌زدایی و آشکار کردن بد فهمی‌های موجود، به مکتب حقوق لیبرال حمله کردند.

دانکن کندی بر این اعتقاد است که طرفدار فردگرایی و قواعد فردگرایانه، به تصویری از جامعه و روابط انسانی علاقه دارد که مشتمل بر ارزش‌های مربوط به حقوق، زندگی و منافع شخصی باشد. برعکس، طرفدار معیارهای نوع‌دوستانه و بشردوستانه، به قرائت و روایتی از جامعه و روابط انسانی علاقه‌مند است که بر ارزش‌هایی چون مشارکت، از خودگذشتگی و هنجارهایی مشتمل باشد که به وجود و حقوق دیگران اهمیت می‌دهد.

در فصل چهارم نظریه‌های اجتماعی حقوقی به صورت کلی بررسی و تلاش شده بدون توجه به گوناگونی آن‌ها جهت‌گیری‌های آن‌ها معلوم گردد و خطوط اصلی این اندیشه‌ها شناسانده شود تا مشخص گردد پذیرش هر یک از مضمون‌ها یا جهت‌گیری‌ها، چه تأثیری بر سه قلمرو وجودشناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی حقوقی می‌گذارد. در ادامه‌ی بحث از مضمون‌های نظری پنج‌گانه‌ی موجود در نظریه‌های اجتماعی حقوقی یاد شده و هرکدام جداگانه تجزیه و تحلیل شده است. مؤلف در پایان به باورهای بنیادی واقع‌گرای حقوق اشاره کرده که خلاصه‌ی آن به شرح زیر است.

۱. حقوق، سیال و دگرگونی‌پذیر و دستگاه قضایی، آفریننده‌ی حقوق است؛

۲. حقوق، غایت فی‌نفسه نیست، بلکه وسیله‌ای برای خدمت به جامعه و برآوردن نیازها و دست‌یافتن به اهداف جامعه است؛

۳. بررسی مکرر قواعد حقوق و تعیین تناسب و ارتباط آن‌ها با نیازهای اجتماعی؛

۴. مسئله‌ی «است» و «باید»؛

۵. عدم اعتماد به قواعد و مفاهیم حقوقی سنتی؛

۶. حس دادرسان از موقعیت، تعیین‌کننده‌ی آرای قضایی است؛

۷. عقیده به ارزشمندی مجموعه‌ای از پرونده‌ها و موقعیت‌های حقوقی؛

۸. پافشاری بر ارزیابی هر بخشی از حقوق بر اساس آثار و نتایج واقعی آن؛

۹. پافشاری بر حمله‌ی بی‌وقفه و پراگماتیستی به مسائل حقوقی.

در قسمت اول فصل پنجم، گرایش‌های موجود در حقوق اسلامی و نیز حقوق نوین ایران مورد بررسی اجمالی قرار گرفته تا معلوم شود چه اندازه، زمینه‌های پذیرش نوعی نظریه‌ی اجتماعی حقوقی وجود دارد. در قلمرو حقوق اسلامی به صورت اجمالی به مباحث کلامی و عقلی، مباحث اصولی و مباحث فقهی پرداخته شده است. در بخش مباحث عقلی، فلسفی و کلامی، دیدگاه اندیشمندان اسلامی درباره‌ی روابط افراد، هدف شریعت، علل تغییر شرایع و قواعد حقوقی، تکلیف آدمی، مسئله‌ی اجتهاد و مسئله‌ی عقل در اجتهاد و از همه مهم‌تر، تحلیل خاص از معرفت‌های حقوقی بیان شده است. در قلمرو بحث‌های اصولی (علم اصول)، به نقشی که مباحث مربوط به مسئله‌ی عقل، بنای عقلا و عرف در پذیرش نوعی نظریه‌ی اجتماعی حقوقی دارد، اشاره شده و سرانجام در قلمرو مباحث فقهی که برخی از آنها با بحث‌های فلسفه و جامعه‌شناسی فقه و حقوق اسلامی مرتبط است، به نظریه‌هایی اشاره شده که هریک به نوعی زمینه‌ساز پذیرش نظریه‌ی اجتماعی حقوقی در حقوق اسلامی می‌شود و توجه به مجموع آن‌ها، این تفکر را تقویت می‌کند که بی‌توجهی به همبستگی میان جامعه و حقوق، و تناسب و

نویسنده در قسمت نخست اثر سعی کرده، با طرح موضوع نظریه‌های اجتماعی حقوقی به صورت تفصیلی ذهن خواننده را برای درک بهتر این مفاهیم آماده کند.

در ادامه رابطه‌ی حقوق و جامعه‌شناسی را به عنوان موضوع مهم و هدف دار مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد و به دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناسی اشاره کرده که نظام حقوقی را از نگرش علوم اجتماعی شرح و تبیین کرده‌اند تا به اصل موضوع برسد. سپس نویسنده با طرح دیدگاه‌های بنیادی درباره‌ی رابطه‌ی حقوق و جامعه که در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و حقوق مطرح شده، خواننده را با موضوعات و نظریه‌های موجود در این حوزه بیشتر آشنا می‌کند و با بیان اندیشه‌های موجود در جنبش جامعه‌شناختی در حقوق و نقش عوامل فراحقوقی در تحول حقوق و آرای قضایی باعث شده تا ذهن خواننده به زوایای مختلف موضوع جلب شود.

یکی دیگر از اهداف اصلی کتاب بیان درست و دقیق نظریه‌های اجتماعی حقوقی است که به بهترین وجه به آن‌ها اشاره شده است و در پایان خواننده را با حقوق ایران و گرایش‌های موجود در آن آشنا ساخته و نظریه‌های اجتماعی موجود را در حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌دهد.

از نقاط ضعف کتاب گستردگی موضوعات و تنوع موضوعی آن و همچنین عدم تفکیک موضوعات مورد بحث است که این موضوعات تا چه میزانی مربوط به حقوق می‌شود. در بخش نظریه‌ها به نظریه‌پردازان اسلامی در حوزه‌ی حقوق کمتر اشاره شده و بیشتر به نظریه‌های غربیان در حوزه‌ی حقوق اجتماعی پرداخته شده است که اکثر این نظریه‌پردازان در حوزه‌ی حقوق اسلامی و حقوق ایران مطالعات عمیقی ندارند. همچنین راهکارهای خاصی برای اصلاح و رفع موانع موجود در حقوق ایران ارائه نشده است.

تغییر تدریجی جامعه و حقوق با یکدیگر، نمی‌تواند دیدگاهی اصیل در قلمرو تفکر و حقوق اسلامی باشد.

در ادامه‌ی این فصل به گرایش‌های موجود در حقوق نوین ایران اشاره شده است که به‌رغم وجود برخی از گرایش‌ها که فقط از پیشینیان تقلید و از نوعی تفسیر لفظی معقول، منطقی، منسجم، فنی و خشک حمایت می‌کنند، یا آنان که فقط از حقوق خارجی یاری می‌طلبند، هنوز حقوق‌دانانی هستند که با توجه به ضرورت‌های اجتماعی تحول حقوق، به ضرورت پاسداری از ارزش‌ها و هنجارهای برتر (اخلاقی و مذهبی) نیز بی‌اعتنا نیستند، اگرچه در چندوچون این حفاظت و پاسداری، روش‌های خاص خود را دارند.

در آغاز فصل ششم، به تعریف حقوق کار و ویژگی‌های عمده‌ی آن (جنبه‌ی حمایتی و امری بودن قواعد آن، مفهوم اجتماعی و اقتصادی حقوق کار، خصوصی یا عمومی یا اجتماعی بودن حقوق کار) پرداخته شده و با بیان تاریخچه‌ی روابط و حقوق کار و پیدایش نوع ویژه‌ای از روابط کار پس از انقلاب صنعتی، که هم جامعه‌ای نوین را رقم زده و هم نوع نوینی از روابط کار را که ربط و نسبت‌های آن با دیگر عوامل فراحقوقی مانند اقتصاد و سیاست دگرگون شده بود. سپس به عوامل ایدئولوژیک، اندیشه‌های حقوقی، و رشد روابط جمعی کار و همچنین به تاریخچه‌ی پیدایش حقوق کار در ایران پس از نهضت مشروطیت اشاره شده است. پایان این بررسی تاریخی را با وضع قوانین کار در دوران نظام اسلامی می‌توان دنبال کرد و عوامل پیدایش قوانین حمایتی کار را در کشورهای صنعتی مورد بررسی قرار داد.

قلمرو ارزش‌ها و هنجارها در حقوق ایران، فراتر از متون و اسناد دینی و شرعی است، اگرچه متون و اسناد دینی نیز از مهم‌ترین منابع دست‌یافتن به هنجارهاست. در نهایت، برای دست‌یافتن به فهرست جامعی از مهم‌ترین و جدی‌ترین ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه‌ی کنونی، باید افزون بر اسناد دینی، مجموعه‌ی اسناد و مدارک ملی، اسناد عرفی و قومی و نیز اسناد و مدارک بین‌المللی و جهانی را بررسی کرد.

## ارزیابی

از آنجاکه برای تحقیق و مطالعه در حوزه‌ی حقوق‌شناسی اجتماعی منابع کافی وجود ندارد، کتاب حاضر می‌تواند تا حدودی پاسخگوی نیازهای دانشجویان و محققان در این حوزه باشد و اطلاعات گسترده و دقیق را درباره‌ی نظریه‌های اجتماعی حقوقی در اختیار خوانندگان قرار دهد و برای این‌که در رشته‌های حقوقی و جامعه‌شناسی تاکنون همچون تحقیقی منتشر نشده است، این اثر می‌تواند منبع درسی دانشجویان این رشته‌ها و همچنین به عنوان پایه و یک منبع محکم برای استناد پژوهشگران این حوزه باشد.